

نوع مقاله: پژوهشی  
تاریخ پذیرش: ۳ مهر ۱۴۰۱  
تاریخ انتشار: ۱۵ اسفند ۱۴۰۱

دوفصلنامه مطالعات  
تفسیری قرآن کریم  
شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

## ویژگی‌های کتاب المفردات راغب و بررسی روش‌های معنایابی واژگان در آن

\* مینا شمخی

\*\* عیسیٰ محمودی مزرعاعوی

### چکیده

هدف اصلی این مقاله، بررسی روش‌های معنایابی واژگان قرآنی در کتاب «المفردات فی غریب القرآن» و نیز ذکر برخی از ویژگی‌ها و خصوصیات این کتاب است. ازانجاکه روش‌های متعددی برای معنایابی واژگان قرآنی وجود دارد، در رابطه با کتاب «المفردات فی غریب القرآن» این سؤال مطرح می‌شود که مؤلف این کتاب برای تبیین معنای مفردات قرآنی چه روش‌هایی را به کار برد؟ دوم اینکه، این کتاب، به غیر از تبیین معانی واژگان قرآنی، چه خصوصیاتی دارد؟ در پایان این پژوهش، که به صورت کتابخانه‌ای و به روش تبیینی-تحلیلی انجام گرفته است، این نتیجه حاصل گردید که: اولاً مؤلف کتاب «المفردات فی غریب القرآن»، روش‌های متعددی مانند استناد به روایات، تعیین مصاديق الفاظ، روش تفسیری قرآن با قرآن و... را برای تبیین معنای واژگان قرآنی به کار برد است. ثانیاً این کتاب، نه تنها یک کتاب جامع برای فهم معانی واژگان قرآن است؛ بلکه یک دایرة المعارف بزرگ قرآنی است که می‌توان در موضوعات میان‌رشته‌ای، اخلاقی، کلامی، فقهی و به ویژه معناشناختی واژگان قرآنی و تفسیر آیات، از آن بهره برد و به آن استناد کرد.

**واژگان کلیدی:** المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، معنایابی، واژگان قرآنی.

\* دانشیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران؛ m.shamkhi@scu.ac.ir

\*\* دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران، (نویسنده مسئول)؛ maahmoodi1361@gmail.com

## مقدمه

اگرچه موضوع اصلی کتاب‌های لغت، به ویژه آنها بی‌کاری که در رابطه بالغات قرآن می‌باشد، تبیین ریشه، اشتراق و معنی واژه‌ها با درنظر گرفتن زبان مردمان زمان نزول و مخاطبان نخستین و با استناد به اشعار و سخنان آنها است، اما برخی مؤلفان این کتب، فراتر از این هدف عمل کرده‌اند. یکی از این آثار، کتاب «المفردات فی غریب القرآن» است که مؤلف آن ابوالقاسم حسین بن محمد، معروف به راغب اصفهانی (م ۵۵۰ق) است. در رابطه با کتاب «المفردات فی غریب القرآن»، دو پرسش ذیل مطرح می‌شود:

۱. مؤلف این کتاب، چه روش‌هایی را برای تبیین معانی واژگان قرآنی به کار برد؟
۲. خصوصیات و ویژگی‌های کتاب «المفردات فی غریب القرآن» چیست و آیا این کتاب، تنها یک کتاب تبیین معانی واژگان قرآنی است، یا می‌توان در زمینه‌ها و حوزه‌های دیگر از آن بهره برد؟ پاسخ به پرسش‌های فوق از آنجا حائز اهمیت است که باعث می‌شود محققان در حوزه قرآن، به فهم و درک هرچه دقیق‌تر واژگان قرآنی و در نهایت، فهم و تفسیر آیات قرآنی دسترسی داشته باشند؛ زیرا این کتاب، یکی از مهم‌ترین تألیفات در موضوع مفردات قرآنی به شمار می‌آید. این اهمیت تا جایی است که تقریباً علماً بر این نکته اجماع دارند که در بین مؤلفات متعددی که در این زمینه تالیف شده‌اند، کتاب «مفردات راغب» دارای رتبه اول است. همچنین کمتر مؤلفی در حوزه علوم قرآنی و تفسیر و... وجود دارد که به اهمیت و جایگاه این کتاب اذعان نداشته و از آن تجلیل نکرده باشد (فرحات، بی‌تا، ص ۹).

درباره کتاب المفردات، تحقیقات و پژوهش‌هایی صورت گرفته که بیشتر در حوزه اشتراق لغات و معانی واژگان است. از جمله این تألیفات، کتاب «معاجم مفردات القرآن» از احمد حسن فرحات است که در آن، علاوه بر اشاره به روش تألیف و ترتیب کتاب مفردات، به ذکر برخی از خصوصیات این کتاب پرداخته است. همچنان‌که در این کتاب، روش کار راغب در مفردات، با روش کار چهار کتاب دیگر در این زمینه مقایسه شده است (ر.ک: فرحات، بی‌تا، ص ۹).

در کتابی با عنوان «بررسی روش تفسیری راغب اصفهانی» از امیر احمد نژاد، که توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه منتشر شده و نیز مقاله‌ای با عنوان «راغب اصفهانی، قرآن‌پژوه و مفسر قرآن» از سید محمد علی ایازی، که در مجله «مطالعات روش‌شناسی دینی» به چاپ رسیده است، به ابعاد شخصیتی، عصر زندگی، معرفی آثار و مؤلفات و همچنین تبیین قواعد تفسیری راغب اصفهانی پرداخته شده است.

در کنار آثار مرتبط با معرفی راغب، برخی از پژوهش‌ها، به نقد و بررسی و تبیین خطاهای موجود در مفردات پرداخته‌اند؛ مانند مقاله «نقد و بررسی کتاب مفردات راغب» از مرتضی ایروانی و کتاب «رساله فی اغلاط مفردات راغب» از علی کورانی عاملی. پژوهش دیگر در این زمینه، مقاله «التنبيهات على التاویلات فی کتاب المفردات للراغب الاصفهانی» از محمد بن عبد الرحمن الخمیس است که در آن، بر دیدگاه‌های کلامی راغب مبنی بر نفی جسمانیت از خداوند متعال اشکال گرفته است. برخی نیز به تحقیق و استخراج آیات، روایات، اشعار و نکات صرفی و نحوی در کتاب مفردات پرداخته‌اند؛ مانند پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحقيق و تصحیح کتاب مفردات راغب» از محمد‌حسین قوچانی و نیز تحقیق کتاب مفردات از صفوان عدنان الداودی.

این پژوهش قصد ندارد تا بار دیگر بحث اشتقاق و ریشه لغات و یا نحوه تألیف، ترتیب و چینش کتاب مفردات را بررسی کند و یا به استخراج آیات و روایات ذکر شده در آن پردازد؛ بلکه قرار بر آن است تا برخی از نکات و خصوصیات جانبی که راغب اصفهانی در ذیل شرح واژگان به آنها اشاره کرده است، بحث شود. علاوه بر آن، برخی از دیدگاه‌های تفسیری راغب، مورد مناقشه قرار گرفته و همسویی یا اختلاف نظر وی با دیگر مفسران در تفسیر برخی آیات، بررسی گردد. همچنین سعی شده است نمونه‌هایی از مباحث اخلاقی، فقهی و کلامی راغب، به همراه عنوان و شماره صفحه آن در کتاب المفردات، برای استناد و استفاده محققان ذکر شود. در این پژوهش، به برخی اشکالات در کتاب المفردات مانند خطای در تعیین مصادیق الفاظ و نیز استناد به روایات ضعیف و ..., در ذیل روش‌های تعیین معانی واژگان، اشاره شده است. علاوه بر آن تلاش شده تا برخی از خصوصیات و اطلاعات ارزشمندی که مؤلف در ذیل شرح واژگان آورده است، ذکر گردد. در ادامه مقاله، نکات و مواردی که در بررسی کتاب «المفردات فی غریب القرآن» مورد بررسی و

توجه قرار گرفته‌اند، تشریح خواهد شد:

### ۱. روش‌های تبیین معانی واژگان در کتاب «المفردات فی غریب القرآن»

مؤلف کتاب المفردات، روش‌های متعددی برای تبیین معانی واژگان قرآنی به کار برد است. هرکدام از روش‌های به کار رفته در این کتاب، نیازمند برخی ملاحظات است که در ذیل ذکر می‌گردد:

#### ۱-۱. استناد به روایات

راغب در تبیین معانی واژگان قرآنی، علاوه بر استناد به آیات قرآنی و اشعار، به طور گستره‌ای از روایات بهره برده است، اما در این میان، اشکالاتی وجود دارد که در ذیل مطرح می‌شود:

##### ۱-۱-۱. استناد به روایات ضعیف و بدون سند

در کتاب «المفردات فی غریب القرآن»، نوع روایات از نظر صحت و ضعف، تبیین نشده و روایات ضعیف مورد استناد قرار گرفته‌اند. اگرچه کتاب المفردات در درجه اول، یک کتاب لغت است، اما استناد به روایات ضعیف در هر نوع کتابی، اشکال شمرده می‌شود. دلیل وجود روایات ضعیف در کتاب المفردات، سخن محقق این کتاب<sup>۱</sup> در مقدمه است که یکی از کارهای خود در رابطه با تحقیق درباره این کتاب را مشخص کردن روایات ضعیف دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵، مقدمه محقق).

#### ۱-۱-۲. عدم تبیین نوع عبارت منقول

از اشکالات دیگری که در این کتاب مشاهده می‌شود عدم تبیین نوع عبارات منقول است. برای نمونه، در ماده «اجل»، عبارت «مَنْ أَخْطَأَهُ سَهْمَ الرَّزِيْةِ» را نقل می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۵)، بدون اینکه مشخص کند این عبارت، روایت است یا اقوال حکما و یا ضرب المثل. وی این قول را با لفظ «قوله» آغاز می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۵) که نشان می‌دهد این عبارت، حدیث است؛ اما این عبارت، در منابع حدیثی یافت نشد و این مطلب نشان می‌دهد که

۱. صفوان بن عدنان داودی، مؤلف و محقق اسلامی و مدرس حرم نبوی در مدینه متوره.

این عبارت، سخن حکما و یا غیره است و نمی‌تواند حدیث باشد.

### ۱-۳. خطاب در نسبت دادن یک عبارت یا روایت به یک شخص

یکی از اشکالات در بحث استناد به روایات در کتاب المفردات آن است که مؤلف در برخی موضع، روایت یا سخنی را به اشتباه به کسی دیگر نسبت می‌دهد، مثلاً وی حدیث «إِذَا النِّسَاءُ بَلَغْنَ نَصْ الْحَقَاق» را به عمر بن خطاب نسبت می‌دهد، درحالی که گوینده اصلی آن، امام علی علیهم السلام بوده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۲۴۷، پاورقی شماره ۱) و یکی از سخنان ایشان در نهج البلاغه است (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص۵۱۸).

همچنان که در ماده «عرض» و در رابطه با آیه «وَجَنَّةٌ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» (آل عمران: ۱۳۳) روایتی نقل می‌کند که فردی از عمر بن خطاب سوالی مبنی بر اینکه آگر این گونه باشد، پس آتش جهنم کجا قرار می‌گیرد؟ که

وی در پاسخ می‌گوید: «إِذَا جَاءَ اللَّيلُ فَأَئِنَ النَّهَارَ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۵۶۰)، اما به نظر می‌رسد که این جواب، از پیامبر ﷺ باشد و اکثر منابع روایی، آن را از جانب پیامبر ﷺ نقل می‌کنند (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج۲۴، ص۴۱۸؛ ابویعلی، ۱۴۰۴ق، ج۳، ص۱۷۰ و حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج۱، ص۹۲).<sup>۱</sup>

### ۱-۲. استناد به قرائات

یکی از مواردی که در کتاب المفردات مشاهده می‌گردد، استناد به قرائات قاریان مختلف در راستای تبیین معانی واژگان و الفاظ قرآنی است؛ اما در این میان، به طور قابل ملاحظه‌ای، به قرائات شاذ و حتی منسوخ، استناد شده و بین این دو، تمییزی صورت نگرفته است که این مطلب، همان گونه که محقق کتاب المفردات به آن اشاره کرده، مورد اشکال است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۲۶، مقدمه محقق).

۱. در همین ماده، دعای «اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِالْأَقْرَارِ إِلَيْكَ» را از پیامبر ﷺ دانسته که باز هم مورد تردید است و دعا از آن کسی دیگر است و محقق کتاب، آن را منسوب به عمرو بن عبید دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۶۴۲، پاورقی شماره ۲).

### ۱-۳-۱. اشاره به مصاديق الفاظ

در بعضی از موارد، مؤلف کتاب المفردات علاوه بر تبیین معنای واژگان، به مصدق یا مصاديق آن در آیات می‌پردازد. برای نمونه، در ماده «أجر»، لفظ اجور در آیه **﴿وَآتُوهُنَ أُجُورَهُنَ﴾** (نساء: ۲۵) را کنایه از مهریه زنان می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۴). وی مصدق امر خداوند در آیه **﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ﴾** (نحل: ۱) را روز قیامت می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۹). وی در برخی موارد، همه نظرات درباره مصاديق یک لفظ یا عبارت قرآنی را نقل و در پایان، نظر خود را بیان می‌کند. برای نمونه، مصدق اویی الامر در آیه **﴿وَأُولَى الْأَمْرِ﴾** (نساء: ۵۹) را از قول مفسران، فرماندهان، آمران به معروف، ائمه اهل بیت علیهم السلام - که قول شیعه است - و فقهاء بیان می‌کند و همه این اقوال را صحیح می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۰).

در برخی موارد در کتاب المفردات، تعیین مصدق الفاظ، با نظرات مفسران تطابق دارد.

برای نمونه راغب، مصدق «خیر» در آیات: **﴿إِنْ تَرَكَ خَيْرًا﴾** (بقره: ۱۸۰)، **﴿وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ﴾** (عادیات: ۸)، **﴿فُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ﴾** (بقره: ۲۱۵) و **﴿وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ﴾** (بقره: ۲۷۳) را مال کثیر دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۰۰)؛ همان گونه که بیشتر تفاسیر نیز همین قول را برگزیده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۸۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۳۱؛ الوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۵۰)، اما گاه نظرات وی با مفسران دیگر همخوانی ندارد و نظری مستقل است. برای نمونه، وی در ماده «حسن»، مصدق حسن در آیه **﴿مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ﴾** (نساء: ۷۹) را ثواب، و مصدق سیئه در آیه **﴿وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ﴾** (نساء: ۷۹) را عقاب دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۳۶)؛ اما تفاسیر معروف فریقین، مصاديق این آیه را موارد دیگری می‌دانند و تقریباً هیچ‌کدام از تفاسیر مهم فریقین، این قول را در نظر نگرفته‌اند (شعبی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۳۴۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۲۲). همچنین مصدق قول احسن در آیه **﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقُولَ فَيَتَبَعُونَ أَحْسَنَهُ﴾** (زمیر: ۱۸) را قولی می‌داند که به دور از شببه باشد (أی: **الأَبَعَدُ عَنِ الشُّبُهَة**) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۳۶)؛ که باز هم می‌توان گفت این قول با اقوال منقول از تفاسیر فریقین، تفاوت دارد.

مؤلف تفسیر مجمع‌البیان، چند قول را در این باره آورده است: ایشان به نقل از زجاج می‌گوید:

«قرآن و غیر قرآن را می‌شنوند و در نهایت، از قرآن پیروی می‌کنند»؛ و نیز آورده است: «یعنی از بین واجبات و مباحات، به واجبات به دلیل ثواب بیشتر آنها عمل می‌کنند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج، ۸، ۷۷۰).

مؤلف المفردات در برخی موارد، در تعیین مصاديق الفاظ، به بیراهه رفته است. برای نمونه در ماده «بُهْت» در آیه ﴿... وَلَا يَسْرِقُنَّ وَلَا يَرْزِنَّ ... وَلَا يَأْتِيَنَّ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِيْنَهُ ...﴾ (ممتحنه: ۱۲)، مصاديق بهتان رازنا می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۸)؛ اما ازانجاكه زنا در اول آیه آمده، این قول، مردود شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۸، پاورقی شماره ۲).

### ۱-۳. عدم اشاره به همه اقوال در تبیین مصاديق الفاظ

اشکال مؤلف مفردات در مبحث تعیین مصاديق آيات، اكتفاء به برخی اقوال، بدون اشاره به تفاسیر و نظرات دیگر است. برای نمونه، در ماده «کثر» و در تفسیر آیه ﴿إِنَّا أَعْظَمْنَاكَ الْكَوْثَر﴾ (کوثر)؛ ۱) نیز همه اقوال در معنا و مصاديق کوثر را ذکر نمی‌کند و به دو قول اكتفا کرده و می‌گوید: «گفته شده است که کوثر نهری در بهشت است که نهرهای دیگری از آن منشعب می‌شوند و نیز گفته شده که آن، خیر کثیر است که به پیامبر ﷺ اعطا شده است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۰۳). وی به تفسیر کوثر به ذریه پیامبر ﷺ از نسل حضرت زهرا(س) اشاره نمی‌کند که علاوه بر تفاسیر شیعه (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۸۳۷)، تفاسیر سنی نیز آن را ذکر کرده‌اند؛ زیرا این آیه در ردّ زخم زبان‌های کافران نسبت به پیامبر ﷺ درباره ابتر و مقطوع النسل بودن حضرت نازل شده است (قمی نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۵۷۶؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۵۵۵).

### ۱-۴. اشاره به وجود الفاظ

لفظ مشترکی که برای معانی متعددی به کاربرده می‌شود را وجوده می‌گویند (سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۲، ص ۱۴۴). در برخی موارد، مؤلف المفردات، به تبیین وجوده معنایی یک واژه می‌پردازد که دارای معانی متفاوتی در آیات مختلف است؛ برای نمونه، در تبیین معنای واژه «ساعه» در آیه ﴿يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَمْ يُشُوا غَيْرَ سَاعَةٍ﴾ (روم: ۵۵) می‌گوید: اولی به معنای قیامت و دومی به معنای مدت زمان کم است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۴).

مؤلف در ماده «صَاعق»، پس از تبیین معنای صاعقه، برای آن سه وجه ذکر می‌کند:  
 الف) مرگ؛ مانند آیات: ﴿فَصَاعِقٌ مَّنْ فِي السَّمَاوَاتِ ...﴾ (زمیر: ۶۸) و ﴿فَأَخَذَتُهُمُ الصَّاعِقَةُ﴾ (نساء: ۱۵۳).

ب) عذاب؛ مانند آیه ﴿أَنْذِرْنِّكُمْ صَاعِقَةً ...﴾ (فصلت: ۱۳).  
 ج) آتش؛ مانند آیه ﴿وَيُرِسِّلُ الصَّوَاعِقَ ...﴾ (رعد: ۱۳) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۸۵).  
 همچنین در معانی و وجوه واژه «قلب» در آیات مختلف، می‌نویسد: قلب در آیه ﴿وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ﴾ (احزاب: ۱۰) به معنای ارواح؛ در آیه ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ﴾ (آل عمران: ۳۷) به معنای علم و فهم و در آیه ﴿وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾ (حج: ۴۶) به معنای عقل است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۸۱).

راغب، معانی و وجوه هرکدام از واژه‌ها و الفاظ قرآنی را با استناد به آیات، ذکر می‌کند. وی به تبیین معنای لغوی و اصطلاحی واژه‌های قرآنی آكتفاء نکرده و در مواردی که یک لفظ، دارای معانی متعدد باشد، آن را همراه با شواهد قرآنی ذکر می‌کند. برای نمونه وی در ماده «موت»، معانی و انواع آن را بحسب معانی و انواع زندگی یادآور می‌شود و انواع مرگ را این‌گونه یاد می‌کند:  
 اول: چیزی که در مقابل نیروی رشد و نموی موجود در انسان‌ها، حیوانات و گیاهان قرار بگیرد؛  
 مانند آیه ﴿يُحِيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾ (روم: ۱۹) و آیه ﴿وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْهَةً مَيِّنَا﴾ (آل عمران: ۱۱).  
 دوم: زوال و ازبین رفتن قوای حسی؛ مانند آیه ﴿يَا لَيْتَنِي مِتْ قَبْلَ هَذَا﴾ (مریم: ۲۳).  
 سوم: زوال و ازبین رفتن قوای عقلی؛ مانند آیه ﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّنًا فَأَحْيَيْنَاهُ﴾ (آل عمران: ۱۲۲) و ﴿إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى﴾ (نمل: ۸۰).

چهارم: ناراحتی‌ها و گرفتاری‌های تاریک‌کننده زندگی؛ مانند آیه ﴿وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ﴾ (ابراهیم: ۱۷).

پنجم: خواب؛ زیرا گفته شده است که خواب، مرگ سبک است و مرگ، خواب سنگین، و به همین دلیل خداوند، خواب را توفی نامید؛ مانند آیه ﴿وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّكُمْ بِاللَّيْلِ﴾ (آل عمران: ۶۰) و ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّ الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا﴾ (زمیر: ۴۲).

ششم: زوال و ازبین رفتن قوای حیوانی و خارج شدن روح از جسد؛ مانند آیه ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةٌ

الْمُوْتُ» (آل عمران: ۱۸۵) و «إِنَّكَ مَيِّثٌ وَأَنَّهُمْ مَيِّتُونَ» (زمر: ۳۰) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۸۱).

### ۱-۵. معنایابی لغات به روش تفسیری قرآن با قرآن

اگرچه کتاب المفردات یک کتاب لغت است، اما ساختار آن نشان می‌دهد که این کتاب، مباحث تفسیری را بسیار دقیق و منضبط دنبال کرده است. مؤلف این کتاب علاوه بر تبیین معانی الفاظ در آیات قرآن، به صورت ماهرانه‌ای معانی آیات و ارتباط آنها با یکدیگر را بیان کرده و به طور گسترده‌ای از روش تفسیری قرآن با قرآن بهره جسته است. به همین دلیل، به گونه‌ای می‌توان مفردات راغب را یک کتاب تفسیری قرآن با قرآن قلمداد کرد. گستردگی استفاده از آیات قرآن برای تفسیر آیات دیگر به حدّی است که می‌توان گفت راغب حتی در کتاب تفسیر خود، به این اندازه از این روش استفاده نکرده است (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۲۴ق).

۱۳۹

برای نمونه، وی در معنای ماده «حُبُك» در آیه «وَالسَّمَاءُ ذَاتُ الْحُبُكِ» (ذاریات: ۷) می‌گوید: «حُبُك به معنای راه‌ها است، که برخی از مردم تصور می‌کنند منظور، راه‌های حسی از طریق ستارگان و کهکشان‌هاست و برخی دیگر آنها را راه‌های عقلی دانسته‌اند که تنها با فهم و بصیرت درک می‌شوند و به این معنا در آیه «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِياماً ... فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (آل عمران: ۱۹۱) اشاره شده است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۷).

وی در ماده «خبت» و در معنای مختب در آیه «وَنَسِيرُ الْمُحْبِتِينَ» (حج: ۳۴) می‌گوید: «أَيْ: المتواضعين»؛ مانند آیه «لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ» (أعراف: ۲۰۶) و آیه «فَتَخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ» (حج: ۵۴) «أَيْ: تَلِين وَتَخْشَع» و اخبار در اینجا نزدیک به معنی فرود آمدن در آیه «وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهِبُّ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» (بقره: ۷۴) است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۲).

عنوان داده شده در این دو کتاب المفردات راغب و پژوهشی روش های معنایی و انتسابی

مؤلف المفردات، تا آخر کتاب، این نوع تفسیر آیات قرآنی با آیات دیگر را به صورت روشنمندی دنبال می‌کند و مفاهیم برخی آیات را به وسیله آیات دیگری روشن و تبیین می‌نماید. آیات زیر، نمونه‌ای از کار ارزشمند مؤلف در این راستا است:

تفسیر آیه «إِنَّهُ ظَنَّ أَنَّ لَنْ يَحُورَ» (انشقاق: ۱۴) با آیه «رَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ لَنْ يُبَعُثُوا...» (تغابن: ۱۷) در ماده «حور» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۶۲) و تفسیر خافضه در آیه «خَافِضَةُ رَافِعَةٍ»

(واقعة: ۳) با آیه «ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ» (تین: ۵) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۸۹).<sup>۱۴۰</sup>

## ۲. برخی از خصوصیات کتاب «المفردات فی غریب القرآن»

کتاب المفردات علاوه بر تبیین معانی الفاظ، دارای برخی از خصوصیات مفید است. از جمله اینکه مؤلف کتاب، افرون بر تبیین معانی لغات، به ارائه دیدگاهها و نظرات تفسیری پرداخته و مباحث بلاغی، اخلاقی، فقهی، کلامی و... را نیز مطرح کرده است. براین اساس، عملاً این کتاب، به یک مجموعه دایرة المعارف در زمینه‌های گوناگون تبدیل شده است. از جمله خصوصیات و مباحث مطرح شده در کتاب المفردات، عبارتند از:

### ۲-۱. دیدگاه‌ها و نظرات تفسیری

راغب اصفهانی به غیر از روش تفسیری قرآن با قرآن در کتاب «المفردات فی غریب القرآن»، گاهی از تفاسیر دیگر نقل قول کرده و یا خود در مورد تفسیر برخی از آیات، به اظهار نظر پرداخته است. درباره روش و دیدگاه‌های تفسیری راغب در کتاب المفردات، نکات ذیل، قابل توجه است:

#### ۲-۱-۱. ارائه تفسیری مطابق با دیگر تفاسیر

در برخی موارد راغب، تفسیری مطابق با تفاسیر دیگر ارائه می‌دهد. برای نمونه، در ماده «اذن» درباره آیه «وَ فِي آذَانِهِمْ وَ قُرَا» (أَنْعَامٌ: ۲۵) می‌گوید: «إِشارةٌ إِلَى جَهْلِهِمْ لَا إِلَى عَدْمِ سَمْعِهِمْ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۰)؛ که این معنا در تفاسیر دیگر نیز نزدیک به این مضمون آمده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۱۰۸ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۴۳). همچنان‌که در برخی تفاسیر آمده است «وَقَرَا» یعنی در گوش‌های آنها مانعی از شنیدن سخن سودمند وجود دارد (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۲۱). وی در ماده «قبر» در تفسیر آیه «وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مِنْ فِي الْقُبُوْرِ» (فاطر: ۲۲) می‌گوید یعنی آنها‌یی که مانند مردگان هستند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۵۱). این قول، در تفاسیر دیگر نیز با این مضمون آمده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۶۳۳؛ طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۳۷).

۱. برای نمونه‌های بیشتر، تفسیر آیه «وَلِلرِجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» (بقره: ۲۲۸) و چرایی بیشتر بالا بودن درجه مردان نسبت به زنان با آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» (نساء: ۳۴) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۱۰)؛ تبیین مفهوم آیه «فِي بُيُوتِ أَذْنَ اللَّهَ أَنْ تُرْفَعَ» (نور: ۳۶) با اشاره به آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهَبَ عَنْهُمُ الرِّجَسَ...» (أحزاب: ۳۳) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۶۱)؛ تبیین و تطبیق معنای «السَّابِحُونَ» (توبه: ۱۱۲) با آیه «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ...» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۱).

## ۲-۱-۲. ذکر یک تفسیر و چشم پوشی از تفسیرهای دیگر

در برخی موارد ملاحظه می‌گردد که راغب از بین چند تفسیر، فقط یکی از اقوال را برمی‌گزیند و بقیه را ذکر نمی‌کند. برای نمونه، در ماده «اذی» و در آیه «وَالذَّانِ يَأْتِيَانِهَا مِنْكُمْ فَآذُوهُمَا» (نساء: ۱۶) می‌گوید: «إِشَارَةٌ إِلَى الصَّرَبِ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۲). ولی «اذی» در اینجا می‌تواند به دیگر آزارها هم تفسیر شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۵). فخر رازی قول اذیت کردن به معنای توبیخ و سرزنش نمودن را ترجیح داده و می‌گوید: «مَدْلُولُ آيَةِ قُرْآنِيِّ، اذِيَتْ كَرْدَنْ وَآذَارَ دَادَنْ أَسْتَ» و این امر تنها به وسیله اذیت کردن با زبان هم حاصل می‌شود و دلیلی در آیه بر زدن نیست» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۵۳۲).

## ۲-۱-۳. ترجیح یک تفسیر بر تفسیرهای دیگر

در برخی موضع ملاحظه می‌گردد که مؤلف المفردات، تفسیری بر تفسیر دیگر را ترجیح می‌دهد. برای نمونه، وی در ماده «رب» و در معنای این کلمه در آیه «قَالَ مَعَذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي» (یوسف: ۲۳) می‌گوید: «كَفْتَهُ شَدَهُ اسْتَ كَهْ مَنْظُورُ، خَدَاؤَنْدَهُ اسْتَ وَيَا بَهْ قَوْلُ بَرَخَيِّ، مَنْظُورُ عَزِيزِ مَصْرَاسْتَ كَهْ او رَابِّرَگَ كَرْدَ وَأَوْلَيْنِ نَظَرَ، مَنْاسِبَتْرَ قَوْلُ وَيِّ (یوسف) اسْتَ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳۶)، اما تأمل در تفاسیر فریقین نشان می‌دهد که اگرچه برخی مفسران نیز معنای اول را برگزیده‌اند (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۱۲۳)، اما به قول مؤلف مجمع‌البيان، هاء در «اَنْهُ» نزد اکثر مفسران، عائد به عزیز مصراست که همسر زلیخا است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۱۰۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۴۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸، ص ۴۳۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۳۲۵).

## ۲-۱-۴. ارائه تفسیری مخالف با دیگر تفاسیر

در برخی موضع، مؤلف المفردات، تفسیری برخلاف تفاسیر دیگر ذکر می‌کند. وی در ماده «رُسُل» نیز در تفسیر آیه «يَا أَئُلُّهَا الرُّسُلُ لُكُوا مِنَ الظَّبَابِ...» (مؤمنون: ۵۱) می‌گوید برخی گفته‌اند که منظور از رُسُل در اینجا، گزیده یاران پیامبر ﷺ هستند که به دلیل اینکه با وی تشکیل یک مجموعه را می‌دهند، از آنها به عنوان «رُسُل» یاد کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۵۳). البته این تفسیر، تفسیری بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا در المیزان آمده که این خطاب، برای همه پیامبران است

(طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۳۵). در تفاسیر دیگر نیز چند احتمال ذکر شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۷۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۲۸۱). نیز گفته شده است که مخاطب این آیه، تنها پیامبر ﷺ بوده و این بر اساس مذهب (راه و روش) عرب‌ها است که فرد را با صیغه جمع خطاب می‌کنند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۸، ص ۲۲؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۳۶۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۷۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۲۸۱).

در ماده «صلاه» و در معنای آیه «لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (مدثر: ۴۳) می‌گوید: (أي: مِنْ أَتَبَاعِ الْبَيِّنَ) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۹۲) که تفسیری شاذ است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۹۲)؛ چراکه در اینجا مفسران، آن را به معنای حقیقی آن، یعنی نماز گرفته‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۹، ص ۱۵۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۹۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۷۱۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۲۶۳).

## ۱-۵. عدم گزینش تفسیری خاص

راغب در المفردات در اغلب موارد، تفاسیر مربوط به یک آیه را ذکر می‌کند بدون اینکه خود، یکی از این تفاسیر را برگزیند. برای نمونه در ماده «رد» و در رابطه با آیه «فَرَدُوا أَيْدِيهِمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ» (ابراهیم: ۹) آورده است که گفته شده آنها سرانگشتان خود را از سر ناراحتی و عصبانیت گاز گرفته‌اند و یا برخی دیگر گفته‌اند که با گذاشتن دست بر روی دهان، به سکوت اشاره کرده‌اند و یا نیز گفته شده است که دست بر دهان پیامبران گذاشته‌اند تا آنها را ساکت کنند و استعمال واژه «رد» در اینجا به این دلیل است که آنها این کار را چند بار انجام دادند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۴۹).

## ۱-۶. استناد به اقوال مفسران از صحابه و تابعین

اما از دیگر مواردی که معمولاً در کتب تفسیر مشاهده می‌گردد استناد به اقوال مفسران صحابه و یا تابعی در تفسیر آیات و مصاديق الفاظ قرآنی است که راغب در المفردات از آن غافل نمانده است. وی اگرچه در مواردی فقط به عبارت «گفته شده است (قیل)» اکتفا کرده، اما در موارد دیگری، نام کسانی را ذکر می‌کند که اقوال آنها را نقل کرده است. از جمله کسانی که راغب در

المفردات، اقوال آنها را ذکر می‌کند از صحابه، حضرت علی عَلِيٌّ، ابن عباس، ابن مسعود، عمر بن الخطاب و از تابعین، مجاهد، قتاده، حسن بصری، امام صادق عَلِيٌّ، شعبی و... می‌باشند.

## ۲-۲. توجه به کنایه، استعاره، تشییهات و مجاز قرآن

در کتاب المفردات، در کنار تبیین معانی واژگان، نکات بلاغی نیز مورد توجه قرار گرفته است. مؤلف در ماده «إثم» و پیرامون معنای آن در آیه «وَمَنْ يَفْعُلْ ذَلِكَ يَأْتِي أَثَاماً» (فرقان: ۶۸) می‌گوید: «أَثَاماً» در اینجا به معنی «عذاباً» است؛ زیرا در این آیه، اشاره به سبب شده، ولی مسبب قصد شده است و در اینجا، عذاب را به اثم و گناه نامگذاری کرده است؛ چراکه عذاب، نتیجه آنهاست؛ مانند تسمیه گیاهان و گوشت و چربی به باران است؛ چراکه اینها از باران و به سبب آن به وجود می‌آیند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۳).

در ماده «بكى» و در تفسیر آیه «فَمَا بَكَثَ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ» (دخان: ۲۹) می‌گوید: «برخی گفته‌اند این آیه، بر حقیقت است و خداوند به آسمان و زمین، زندگی و فهم و دانش خواهد بخشید؛ اما برخی دیگر، آیه را برجاز، حمل کرده و گفته‌اند تقدیر آن این است که (فَمَا بَكَثَ عَلَيْهِمْ أَهْلُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ)، یعنی اهل آسمان و زمین بر آنها گریه نکردند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۱).<sup>۱</sup>

استعارات قرآنی نیز مورد توجه مؤلف قرار گرفته است. برای نمونه وی در معنای ماده «رجم» می‌گوید: «رجم به معنای پرتاب سنگ است که در آیات «... يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُرْجُومِينَ» (شعراء: ۱۱۶)؛ «وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجُمنَكَ» (هود: ۹۱) و «إِنَّهُمْ ... يَرْجُمُوكُمْ» (كهف: ۲۰) به آن اشاره شده است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۵). وی در ادامه، در معنای مجازی این ماده می‌گوید: «رجم در گمانه‌زنی و ناسزاگویی و طرد هم به عنوان معنای مستعار به کار برده می‌شود؛ مانند آیه «لَأَرْجُمَنَكَ ...» (مریم: ۴۶)، یعنی هر آنچه از آن کراحت داری درباره تو خواهم گفت (ای: لَأَقْولُنَّ فِيكَ مَا تَكَرَّهُ») (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۵). اما تفاسیر دیگر، هر دو معنای آن را در این آیه احتمال داده‌اند (شعلی، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۲۱۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۷۹۸؛ طباطبایی، بی‌تا،

۱. وی در ماده «بیت»، روایتی با این مضمون از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که «لَا تَدْخُلَ الْمَلَائِكَةَ بِيَتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا صُورَةً» و می‌گوید: «مقصود از بیت در اینجا، دل آدمی است و منظور از سگ، حرص و طمع است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۵۱).

ج) ۱۴، ص ۵۹). قابل ذکر است هیچ دلیلی وجود ندارد که «رجم» در اینجا را بدون هیچ قرینه‌ای، به معنای سخن زشت و شتم بگیریم و به نظر می‌رسد همان معنای حقیقی آن، یعنی سنگسار کردن، صحیح تر باشد.

از طرف دیگر، مؤلف المفردات در تفسیر بعضی آیات، به معنای مجازی آنها که شاید بیشتر از معنای حقیقی، مورد توجه قرار گرفته، اشاره نکرده است. برای نمونه، در رابطه با آیه ﴿يُخْرِجُ الْحَمَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَمَّ﴾ (یونس: ۳۱) گفته است: «یعنی انسان را از نطفه، و مرغ را از تخمر مرغ، و گیاه را از دل زمین، و نطفه را از انسان خارج می‌کند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۰). وی در اینجا، به معنای مجازی آیه، که خارج کردن مؤمن از کافرو بالعکس است، هیچ اشاره‌ای نکرده است؛ زیرا مفسران دیگر، علاوه بر معنای اول آیه، یعنی همان معنایی که راغب آن را برگزیده، معنای دیگری برای آن در نظر گرفته‌اند و آن، بیرون کشیدن مؤمن از کافرو بالعکس است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۶۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، ص ۲۴۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۱۵۴). فخر رازی و آلوسی ادعا کرده‌اند اکثر مفسران بر قول اول هستند. اما علامه در المیزان علاوه بر اینکه قول اول را ذکر کرده، در نهایت، قول دوم را ترجیح داده و گفته است معنای دوم آن، بیرون کشیدن امور مفید از امور غیر مفید است؛ مانند آفرینش انسان زنده، حیوان زنده و گیاه زنده از خاک بی‌جان و مرده و بیرون کشیدن انسان عاقل صالح از انسان بی‌عقل و غیرصالح وبالعکس و نیز خروج مؤمن از کافر و کافر از مؤمن. ظاهر آیه کریمه، با نگاه و تأمل در سیاق و نحوه خطابه آن و اینکه مراد از خروج زنده از مرده وبالعکس چیست، همین معنای اخیر است (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۵۲).

### ۳-۲. ارائه اطلاعات درباره نامهای افراد و مکان‌ها و غیره

راغب در برخی موارد، اطلاعات مفیدی در رابطه با معانی واژگان ارائه می‌دهد. به نظر می‌رسد منبع وی در این رابطه، کتاب دیگرش با عنوان «الذریعه الى مکارم الشريعة» باشد که کتابی با محوریت اخلاقی- اجتماعی است (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۲۸ق). وی تقریباً در تمام حوزه‌ها، اطلاعات مفیدی ارائه کرده است. برای نمونه، در ماده «بقر» می‌گوید: «محمد بن علی علیه السلام به سبب گستردگی علوم گوناگون نزد وی و شکافتن درون آنها، به «باقر» ملقب شده است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۳۸). مؤلف در این کتاب، اطلاعات گسترده‌ای را با طبقه‌بندی و

ترتیب‌بندی خاصی ارائه داده است. از جمله این اطلاعات، عبارتند از:

- اشاره به انواع رزق و روزی خداوند نسبت به بندگان در ماده «حسب» (راغب اصفهانی،

۱۴۱۲ق، ص ۲۳۳)؛

- انواع حیات و زندگی در ماده «حیی» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۶۸)؛

- انواع ضعف و ناتوانی در ماده «ضعف» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۰۷) .

همچنین در چند مورد، به جغرافیای مکان‌هایی که نام آنها در قرآن ذکر شده، اشاره کرده است.

برای نمونه، در ماده «جود»، جودی که در آیه **﴿وَاسْتَوَّثْ عَلَى الْجُودِ﴾** (هود: ۴۴) به آن اشاره شده

است را نام کوهی می‌داند که بین موصل و جزیره قرار دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۱).

از دیگر معلوماتی که مؤلف در راستای معنایابی واژگان قرآنی ارائه می‌دهد، پرداختن به معانی

اسامی گوناگون است. برای نمونه، در ماده «حمد» و در معنای نام «محمد» می‌گوید: «این اسم به

معنای کسی است که صفات پسندیده وی فزونی یابد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۵۶). در

ماده «حیی» در مورد نام حضرت یحیی **عليه السلام** می‌گوید: «این نام به این دلیل به وی داده شده است

که گناهان، وی را زپای در نیاورده‌اند، همان‌گونه که خیلی از اولاد آدم را به فنا کشیده‌اند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۰).

## ۴-۲. توجه به مباحث علوم قرآنی

در کتاب المفردات، در کنار مطرح کردن سایر مباحث، از طرح مسائل علوم قرآنی متناسب

با معانی واژگان گوناگون غفلت نشده است. برای نمونه، مطرح کردن بحث «مثانی» و مصاديق

آن در ماده «ثنی» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۷۹)؛ مسئله خلق قرآن در ماده «خلق» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۹۷)؛ تعریف محکم و متشابه در قرآن و انواع آن و نقل اقوال علماء در این

باره و بسط این مبحث در ماده «شبہ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴۳)؛ بحث تأویل قرآن و

شناسایی راسخون در علم و جائز بودن وصل در آیه **﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ...﴾** (آل عمران: ۷)

۱. برای نمونه‌های بیشتر انواع طهارت در ماده «طهر» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۲۶)؛ تقسیم علم به نظری و عملی در ماده «علم» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۸۰)؛ انواع بی‌نیازی در ماده «غنى» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۱۵)؛ معانی چهارگانه فقر در همین ماده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۴۱) وغیره.

(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۴۴۵) و بحث نزول دفعی یا تدریجی قرآن در ماده «نزل» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۸۰۰).

## ۵-۲. طرح مسائل اخلاقی-اجتماعی

نکته دیگر اینکه کتاب مفردات راغب سرشار از مباحث اخلاقی و اجتماعی است که در جای جای این کتاب و با تفصیل‌بندی جالبی مطرح شده‌اند. مباحث اخلاقی و اجتماعی، در لابه‌لای تبیین معانی واژگان در آیات آمده است. وی در ماده «اکل»، زشتی و قبح غیبت را مطرح کرده و می‌گوید: «اگر گفته شود فلان، فلانی را خورد و یا گفته شود گوشت او را خورد، منظور آن است که وی را غیبت کرد.» راغب این معنا را از آیه **﴿أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا﴾** (حجرات: ۱۲) استخراج می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۸۰).

راغب در کتاب المفردات، به نکات اخلاقی و اجتماعی فراوانی اشاره و آنها را به شیوه مناسبی تقسیم‌بندی و ذکر کرده است. کثرت نکات اخلاقی در کتاب المفردات به گونه‌ای است که می‌توان از این کتاب به عنوان یک کتاب اخلاقی یاد کرد. برای نمونه، در ماده «حزن» و در تفسیر آیه «**وَلَا تَحْزُنْ**» (حجر: ۸۸) می‌گوید: «در اینجا از حزن و ناراحتی نهی نشده است، چراکه حزن و ناراحتی اختیاری نیست؛ بلکه حقیقت نهی در اینجا، عدم درگیر شدن به هر آنچه موجب حزن و کسب آن می‌شود، می‌باشد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۲۳۱). در ماده «حفظ» و در اهمیت محافظت از فریضه نماز آورده است که معنای آیه **﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يَحْافِظُونَ﴾** (مؤمنون: ۹) این است که آنها از نماز با رعایت اوقات و به جا آوردن ارکان آن و برپایی آن در همه حالات محافظت می‌کنند؛ نماز نیز آنها را به صورتی که در آیه **﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهِيٌ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾** (عنکبوت: ۴۵) آمده است، حفظ خواهد کرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۲۴۵). همچنین در ماده «خوف» و در معنای آیه **﴿... يَدْعُونَ رَبَّهُمْ حَوْفًا وَطَمَعًا﴾** (سجده: ۱۶) می‌گوید: «معنای ترس از خداوند، ایجاد رعب و وحشت در نفس آدمی همانند احساس ترس از یک حیوان درنده نیست؛ بلکه به معنای دوری و اجتناب از گناهان و عمل به طاعات است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۳۰۳).

به نظر می‌رسد راغب، مسائل اخلاقی در المفردات را از کتابش «الدَّرِيعَةِ إِلَى مَكَارِمِ الشَّرِيعَةِ» نقل می‌کند، همان‌گونه که بحث تفصیلی موضوع «درجات فضائل و ردائل» را به آن کتاب ارجاع

داده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۱۶ و ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۲۸ق). کتاب دیگر وی که می‌توان گفت راغب، مطالبی از آن را در المفردات آورده، کتاب «*تَفْصِيلِ النَّسَائِينِ وَتَحصِيلِ السَّعَادَتِينِ*» است که یک کتاب اخلاقی- عرفانی است (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۹۸۳م). راغب، هدف خود از آوردن نکات اخلاقی را رسیدن بندگان به منزل عبودیت و مکارم اخلاقی ذکر کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸ق، ص ۶۰).

برخی نکات اخلاقی و اجتماعی که مؤلف این کتاب به آنها اشاره کرده، عبارتند از:

- نکاتی درباره توبه در ماده «توب» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۶۹)؛

- انواع جهل در ماده «جهل» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۰۹)؛

- انواع خیر در همین ماده (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۰۰)؛

- تقسیم ذکر به قلبی و لسانی در ماده «ذکر» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۲۸)؛<sup>۱</sup>

## ۶-۲. طرح مسائل فقهی

اما مطالب دیگری که مؤلف المفردات به طور قابل ملاحظه‌ای آنها را مطرح کرده است، مسائل و احکام فقهی است. اگرچه مذهب فقهی راغب مشخص نیست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۶، مقدمه محقق)، ولی وی در ذیل شرح بعضی از واژگان، به برخی از نکات فقهی اشاره کرده است. وی این کار را به دو گونه انجام داده است: روش اول، طرح مستقیم مسائل فقهی در ذیل معانی واژگان؛ و روش دوم، استشهاد به روایات فقهی در راستای معنایابی واژگان قرآنی. اما از جمله مسائل فقهی که مؤلف، آنها را در کتاب خود مطرح کرده است: اشاره به انواع حدود الهی در ماده «حد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۱)؛ بحث از مواضع سجود در ماده «سجد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۹۷)؛ انواع روزه و ذکر برخی از مبطلات آن در ماده «صوم» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۰۰) وغیره.

اما مسائل فقهی که مؤلف، آنها را در قالب روایات فقهی ذکر کرده است: روایت نهی از بول

۱. برای نمونه‌های بیشتر بحث رحمت الهی و تفاوت واژه‌های رحمان و رحیم در ماده «رحم» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۷)؛ انواع شکرگزاری در ماده «شکر» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۶۱)؛ تعریف ظلم و انواع آن در ماده «ظلم» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۳۷)؛ انواع رستگاری در ماده «فلح» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۴۴) وغیره.

کردن در آب را کد در ماده «دوم» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۲۲)؛ روایت تحریم خویشاوندان رضاعی همانند خویشاوندان نسبی در ماده «رضع» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۵۵)؛ روایت جایز بودن کشتن چند موجود در حالت احرام در حج در ماده «صید» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۹۷) و مباحث مربوط به حیض و طهارت زنان و معاف بودن از نماز در ایام مربوطه در ماده «قرأ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۶۸).

## ۷-۲. طرح مسائل کلامی

نکته‌ای که در کتاب المفردات جلب توجه می‌کند، طرح مسائل کلامی و اعتقادی است که عقاید مؤلف، در لابه‌لای آنها نهفته است. یکی از این مسائل، که به دفعات در المفردات و در رابطه با آیات مختلف مطرح شده است، نفي جسمیت از خداوند است.

محقق کتاب المفردات، نظریه شیعه و یا معتزلی بودن راغب اصفهانی را رد می‌کند. وی به نقل از «رساله اعتقاد» راغب می‌گوید که رؤیت خدا توسط بندگان در روز قیامت را حکما و اصحاب حدیث اثبات کرده و قرآن و سنت به آن سخن گفته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴، مقدمه محقق). اما توجه به عقاید کلامی راغب، که آنها را در ذیل آیات صفات در کتاب المفردات مطرح کرده است، خلاف این امر را نشان می‌دهد. وی هرگونه جسمیت و رویت را از خداوند نفی می‌کند و این مطلب، وی را به عقاید شیعه و معتزله نزدیک تر می‌کند. برای نمونه، در ماده «أَتَيْ» و در رابطه با آیه ﴿فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْفَوَاعِدِ﴾ (نحل: ۲۶) می‌گوید: «أَتَيْ: بِالْأَمْرِ وَالْتَّدْبِيرِ»؛ یعنی اتیان خداوند با امر و تدبیر خود است، مانند: ﴿وَجَاءَ رَبُّكَ﴾ (فجر: ۲۲) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۰). همچنان‌که در ماده « جاءَ » و در آیه ﴿وَجَاءَ رَبُّكَ ...﴾ (فجر: ۲۲) می‌گوید: «منظور، آمدن امر خداوند است نه ذات وی»؛ وی این قول را به ابن عباس نسبت می‌دهد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۲).

در ماده «بصر» و در رابطه با آیه ﴿لَا تُنْدِرُكُهُ الْأَبْصَارُ ...﴾ (أنعام: ۱۰۳) می‌گوید: «اکثر مفسران، آن را برجواح حمل کرده‌اند و نیز گفته شده که این آیه اشاره به این معنا (دیدن) و نیز توهمات و فهم‌ها است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۲۷). وی در ادامه و در همین رابطه، به دو قول از امام علی علیهم السلام اشاره می‌کند و می‌گوید: این سخنان، اشاره به قول امیرالمؤمنین علیهم السلام دارند که

فرموده است: «توحید، آن است که او را در حیطه توهمنات خود قرار ندهی» و نیز فرموده است: «هر آنچه که بتوانی درک کنی غیر از آن است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۲۷). نیز از قول امام آورده است: «خداوند برای بندگانش آشکار شد بدون اینکه او را ببینند و خود را به آنها نشان داد بدون اینکه برای آنها آشکار شود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۳۱). هر آنچه از سخنان و نقل قول های راغب مشخص است قبول ضمنی این اقوال در عدم امکان رویت خداوند متعال است.<sup>۱</sup>

در ماده «سوا» و در تفسیر آیه **﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَ﴾** (طه: ۵) می‌گوید: «هرگاه این ماده با **«عَلَى»** متعددی شد، معنای چیره شدن و استیلاه را دارد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۹). وی در ماده «عرش» و در معنای آیات **﴿ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيد﴾** (بروح: ۱۵) و **﴿رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْش﴾** (غافر: ۱۵) می‌گوید: «در اینجا عرش، اشاره به مملکت و حکم فرمایی خداوند دارند، نه به مکان و جایگاه وی؛ چراکه خداوند از آن به دور است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۵۹).

در ماده «عین» و در تفسیر آیه **﴿وَلِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي﴾** (طه: ۳۹) می‌گوید: «یعنی در حفظ و عهده من هستی؛ همچنان که گفته می‌شود **«عَيْنُ اللَّهِ عَلَيْكَ»**؛ یعنی در حفظ و رعایت خداوند باشی» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۹۹).<sup>۲</sup>

اما راغب در دیدگاهی در معنی ماده «الی» می‌گوید: «برخی در مورد آیه **﴿وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾** (قیامت: ۲۳-۲۲) می‌گویند معنای آن انتظار کشیدن نعمت خداوندی است که این معنا از نظر بлагت، به بیراهه رفتن است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۴). در اینجا، محقق کتاب المفردات، اشکال راغب را در پاسخ به معتزله می‌داند که رویت خدارانی می‌کنند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۴، پاورقی شماره ۳)، اما در پاسخ باید گفت که عبارت راغب در اینجا

۱. وی در ماده «درک» و در تفسیر آیه پیشین (أنعام: ۱۰۳) می‌گوید: «برخی آیه را برس بینایی، و برخی دیگر آن را به معنای بصیرت حمل نموده اند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۱۲). وی پس از نقل روایت «یامن خایه معرفتی القصور عن معرفتی» می‌گوید: «نهایت شناخت خداوند، شناخت موجودات دیگر است تا بدانی او همانند و شبیه به آنها نیست؛ بلکه وی به وجود آورنده هر آنچه قابل درک است می‌باشد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۱۲). همچنان که راغب در ماده «رأی» و در رابطه با آیه **﴿فَسَيَرِي اللَّهُ عَمَلَكُمْ﴾** (توبه: ۱۰۵) می‌گوید که اطلاق امور حسی بر خداوند صحیح نیست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۷۴).

۲. همچنان که وی واژه «وجه» در آیات **﴿فَأَئِنَّمَا تُولُوا فَقَمَّ وَجْهُ اللَّهِ﴾** (بقره: ۱۱۵) و **﴿كُلُّ شَئٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهُهُ﴾** (قصص: ۸۸) و **﴿بُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ﴾** (روم: ۳۸) و **﴿إِنَّمَا تُنْعِمُّ لَوَجْهِ اللَّهِ﴾** (إنسان: ۹) را به نقل از دیگران، زائد گرفته و مقصود را ذات او می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۵۶).

به هیچ وجه اعتقاد وی به رؤیت خداوند را اثبات نمی‌کند، بلکه اشکال وی فقط به دلیل متعددی نبودن «الی» برای فعل انتظار است. بر این اساس در اینجا می‌توان معانی دیگری غیر از انتظار برای واژه «ناظره» در نظر گرفت که به همان معنی نظر و دیدن باشد، ولی نه نظر به خداوند متعال؛ بلکه نظر به نعمت‌های خداوند است که شامل ثواب‌ها و پاداش‌های بیکران او می‌شود. این تفسیر در مجمع‌البيان این‌گونه آمده است: «أَنَّ الْمُرَادَ إِلَى ثَوَابِ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ، أَيْ هِيَ نَاظِرَةٌ إِلَى نَعِيمِ الْجَنَّةِ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۱).

عقیده کلامی و نظرات راغب درباره نفی جسمیت از خداوند متعال و تأویل مواردی همچون «استواء»، «یَدِین»، «وجه» و «عين» باعث شده است که وی به داشتن اعتقاد به اصول کلامی فاسد و تعطیل صفات خداوند متهم شود. نگارنده مقاله «التبیهات علی التأویلات فی کتاب المفردات للراغب الاصفهانی» پس از آنکه راغب را اشعری دانسته است، به قول خود سعی کرده به تأویلات راغب در کتاب المفردات پاسخ دهد. وی تفسیر راغب درباره آیه **﴿فَأَقَرَّ اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ﴾** (نحل: ۲۶) که می‌گوید: «أَيْ : بِالْأَمْرِ وَالْتَّدْبِيرِ»؛ یعنی اتیان خداوند با امر و تدبیر خود است، مانند: **﴿وَجَاءَ رَبُّكَ﴾** (فجر: ۲۲) رارد می‌کند و می‌گوید: «تفسیر اتیان به آمدن امر و تدبیر، باطل است و درست آن است که گفته شود این آیات، آمدن خداوند در روز قیامت را به بهترین وجه ممکن و بدون تشبيه و تمثیل و تعطیل نشان می‌دهد» (خمیس، ۱۴۱۹ق، ص ۱۳-۴۲). وی همچنین تفسیر «استواء» در آیه **﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾** (طه: ۵) به استیلاء رارد می‌کند (خمیس، ۱۴۱۹ق، ص ۱۳-۴۲). اشکالات گرفته شده از جانب نگارنده این مقاله نشان می‌دهد که راغب به طور قطع، از اعتقاد به مقوله جسمانیت و رؤیت خداوند، به دور است.

### نتیجه‌گیری

کتاب «المفردات فی غریب القرآن» نشان می‌دهد که برای تبیین و درک معانی واژه‌های قرآنی، علاوه بر اشاره به ریشه، اشتراق، واژه‌های مترادف و وجوده الفاظ، باید معانی آنها را در آیات گوناگون، بررسی و جستجو کرد. این بحث و بررسی در کتاب «المفردات فی غریب القرآن»، در بیشتر حالات منجر به تفسیر آیات قرآن به وسیله آیات دیگر و نیز ارائه دیدگاه‌های

تفسیری شده است. راغب در تفسیر برخی آیات، گاهی اوقات با نظرات دیگر مفسران، همسو و در برخی دیگر، اختلاف نظر داشته است. راغب در کتاب المفردات و در برخی موارد، دچار خطاهایی همچون استناد به روایات ضعیف، خطا در معرفی گوینده حدیث و یا دعا، خطا در تبیین مصادیق الفاظ و ... شده است. مطلب دیگر اینکه کتاب «المفردات فی غریب القرآن» کتابی است جامع که دربرگیرنده موضوعاتی همچون موضوعات اخلاقی، اجتماعی، فقهی، بلاغی، کلامی، تفسیری و مباحث میانرشته‌ای است که می‌تواند مورد مراجعه و استناد محققان در رابطه با این زمینه‌ها قرار گیرد.

## فهرست مراجع

\*. قرآن کریم

١. ابن حنبل، ابو عبد الله احمد بن محمد شیبانی؛ مسنداً حمد بن حنبل؛ تحقیق: شعیب الارنووط و عادل مرشد؛ بی‌جا: نشر موسسه الرساله، ١٤٢١ق.
٢. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر؛ **تفسیر القرآن العظیم**؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١٩ق.
٣. ابویعلی، احمد بن علی موصلی؛ مسنداً ابویعلی؛ تحقیق: حسین سلیم اسد؛ دمشق: نشر دار المأمون للتراث، ١٤٥٤ق.
٤. آلوسی، سید محمود؛ **روح المعانی فی تفسیر القرآن والسبع المثانی**؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١٥ق.
٥. بغوى، حسین بن مسعود؛ **معالیم التنزیل فی تفسیر القرآن**؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٢٥ق.
٦. بیضاوی، عبد الله بن عمر؛ **انوار التنزیل واسرار التاویل**؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤١٨ق.
٧. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم؛ **الکشف و البیان**؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٢٢ق.
٨. حاکم نیشابوری، ابو عبد الله محمد بن عبد الله؛ **المستدرک علی الصحیحین**؛ تحقیق: عبدالقدار عطا؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١١ق.
٩. خمیس، محمد بن عبد الرحمن؛ «التنبیهات علی التأویلات فی كتاب المفردات للراغب الاصفهانی»؛ مجله جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه، عدد ٢٢، ص ١٣-٤٢، ١٤١٩ق.
١٠. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد؛ **الذریعه الى مکارم الشریعه**؛ تحقیق: ابو زید عجمی؛ قاهره: نشر دار السلام، ١٤٢٨ق.
١١. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد؛ **المفردات فی غریب القرآن**؛ تحقیق: صفووان عدنان الداودی؛ دمشق - بیروت: دار القلم - الدار الشامیه، ١٤١٢ق.
١٢. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد؛ **تفسیر راغب اصفهانی**؛ تحقیق: عادل بن علی شذی؛ ریاض: نشر دار الوطن، ١٤٢٤ق.

۱۳. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد؛ **تفصیل النشاتین و تحصیل السعادتین**؛ بیروت: نشر دار مکتبه الحیا، ۱۹۸۳م.
۱۴. زمخشri، جارالله محمود بن عمرو، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**؛ بیروت: نشر دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷ق.
۱۵. سیوطی، جلال الدین؛ **الاتقان فی علوم القرآن**؛ تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم؛ قاهره: نشر الهیئه المصریه العامه للكتاب، ۱۳۹۴ق.
۱۶. شریف رضی، محمد بن حسین؛ **نهج البلاغه**؛ تحقیق: صبحی صالح؛ قم: نشر هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن؛ **مجمع البیان**؛ تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۹. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر؛ **جامع البیان (تفسیر طبری)**؛ بیروت: نشر دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۲۰. فخر رازی، محمد بن عمر؛ **التفسیر الكبير (مفاسیح الغیب)**؛ بیروت: دار احیاء التراث العربي، ۱۴۲۰ق.
۲۱. فرحت، احمد حسن؛ **معاجم مفردات القرآن**؛ مدینه منوره: مطبعه ملک فهد، بی‌تا.
۲۲. قاسمی، محمد جمال الدین؛ **محاسن التأویل**؛ تحقیق: محمد باسل عیون السود؛ بیروت: دار الكتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۲۳. قمی نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد؛ **غرائب القرآن و رغائب الفرقان**؛ بیروت: دار الكتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.